

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

FP

## ورود چین به مناقشه هسته‌ای ایران

به دنبال افزایش نگرانی‌ها درباره برنامه هسته‌ای ایران، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در تلاش است تا تهران را دوباره به میز مذاکره بکشاند. وی هفته گذشته در نامه‌ای که از طریق دیپلمات‌های امارات متحده عربی برای رهبر معظم ایران، آیت‌الله علی خامنه‌ای، ارسال شد، بر این موضوع تأکید کرد. آیت‌الله خامنه‌ای بلافاصله این پیشنهاد را رد کرد. او در دیدار با دانشجویان دانشگاه در روز چهارشنبه گفت: «وقتی می‌دانیم که آنها به تعهداتشان پایبند نخواهند بود، مذاکره چه فایده‌ای دارد؟» وی همچنین بار دیگر بر موضع رسمی ایران مبنی بر اینکه این کشور قصد ساخت سلاح هسته‌ای را ندارد، تأکید کرد. آیت‌الله خامنه‌ای گفت: «اگر می‌خواستیم سلاح هسته‌ای بسازیم، آمریکا نمی‌توانست جلوی ما را بگیرد. خودمان چنین چیزی را نمی‌خواهیم.» با این حال، تهران پیشنهاد شرکت در یک نشست سه‌جانبه با روسیه و چین را که روز جمعه در پکن برگزار شد، پذیرفت. در این نشست، معاونان وزرای خارجه سه کشور جبهه‌ای متحد تشکیل دادند. در بیانیه مشترکی که روز جمعه منتشر شد، آنها خواستار «کنار گذاشتن تحریم‌ها، فشار یا تهدید به استفاده از زور» شدند و بر تعهد خود به عدم انشاع تسلیحات هسته‌ای تأکید کردند. این تلاش دیپلماتیک چین در شرایط حساسی انجام می‌شود. در ماه فوریه، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش داد که ایران بیش از ۶۰۰ پوند اورانیوم را تا سطح ۶۰ درصد غنی‌سازی کرده است. کارشناسان می‌گویند که ایران می‌تواند ظرف چند هفته به استانه ۹۰ درصدی غنی‌سازی، که برای تولید سلاح هسته‌ای لازم است، برسد. این پیشرفت، همراه با تضعیف اخیر ایران، موجب شده است که نهادهای اطلاعاتی آمریکا به این نتیجه برسند که اسرائیل ممکن است در سال آینده حملات گسترده‌ای را علیه ایران آغاز کند. اسرائیل تقریباً به‌طور قطع به دنبال حمایت واشنگتن خواهد بود و احتمالاً حتی حمایت نظامی آمریکا را برای چنین حملاتی طلب خواهد کرد. ترامپ در مصاحبه‌ای که روز یکشنبه با مجری فاکس نیوز، ماریا بارتزومو، داشت، گفت: «من برای [ایران‌ها] نامه‌ای نوشته‌ام و گفته‌ام: «امیدوارم که مذاکره کنید، زیرا اگر مجبور شویم به‌طور نظامی وارد عمل شویم، این یک فاجعه خواهد بود.» همه این مسائل باعث نگرانی پکن شده است. تونگ ژائو، پژوهشگر ارشد برنامه سیاست هسته‌ای در بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی، گفت: «فکر می‌کنم چین بحران هسته‌ای ایران را در حال رسیدن به یک نقطه حساس می‌بیند.» چین و روسیه سابقه‌ای طولانی در دیپلماسی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران دارند. هر دو کشور از مذاکره کنندگان برجام بودند، توافقی که ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد و به‌جای آن سیاست «فشار حداکثری» را برای مجبور کردن ایران به پذیرش توافقی محدودکننده‌تر در پیش گرفت؛ آن تلاش شکست خورد. اکنون که ترامپ در پی ازسرگیری مذاکرات است، پکن و مسکو هر کدام انگیزه‌های خاص خود را برای بازگشت به میز مذاکره دارند. در فضای معکوس سیاست خارجی آمریکا امروز، ترامپ از روسیه خواسته است که به حل بحران هسته‌ای ایران کمک کند. گفته می‌شود که ترامپ در تماس تلفنی ماه فوریه خود از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، خواسته است تأییداتی برای مذاکرات را بر عهده بگیرد. برای روسیه، این تلاش‌های دیپلماتیک می‌تواند به بهبود روابط با ترامپ کمک کند. با این حال، همان‌طور که جانانان آرد، مدیر برنامه امنیت خاورمیانه در مرکز امنیت نوین آمریکا، این هفته در نشریه فارن‌پالیسی نوشت، حمایت اقتصادی و نظامی روسیه از ایران، این کشور را به گزینه‌ای غیرمتعارف برای میانجی‌گری یک توافق جدید تبدیل کرده است. چین نیز دلایل متعددی برای پیگیری این دیپلماسی دارد. پس از میانجی‌گری برای تنش‌زدایی بین عربستان سعودی و ایران در سال ۲۰۲۲، چین به دنبال فرصت‌های بیشتری است تا خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ مسئول نشان دهد. یون سان، مدیر برنامه چین در مرکز استیمسون، گفت: «پکن می‌خواهد که به نظر برسد که از سوی روسیه و آمریکا کنار گذاشته شده است، زیرا در مورد بحران اوکراین از بحث‌ها کنار گذاشته شد. بنابراین، به نظر می‌رسد که تلاش کرده است تا نقش خود را در امور بین‌المللی دوباره تثبیت کند.» چین همچنین در این مسئله منافع اقتصادی دارد.

دیپلماسی  
DIPLOMACY



عکس: President

### آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

سال ۱۴۰۴، سال پرچالشی برای ایران خواهد بود. در عرصه سیاست خارجی، سال جدید سال تحمل فشار حداکثری، رویارویی با فشارهای سیاسی، نظامی و امنیتی آمریکا خواهد بود. البته تحولات سال آینده، ادامه تحولات سال ۱۴۰۳ است. ایران در سال ۱۴۰۲، در عرصه سیاست خارجی، سال پرآشوب و پرفرازونشیبی را تجربه کرد. حمله حماس به اسرائیل در هفتم اکتبر سال ۲۰۲۲، موجب شد منطقه و به تبع آن ایران، وارد ماریجی خطرناک از تنش شود. در این سیکل تنش، ایران برای نخستین بار، وارد رویارویی مستقیم با اسرائیل نیز شد و دو بار پاسخ موشکی گسترده‌ای را علیه اسرائیل ترتیب داد. ورود ناخواسته ایران به این سیکل تنش که با حمله حماس به اسرائیل رقم خورد، خساراتی را نیز برای ایران به بار آورد. ترور برخی فرماندهان سپاه پاسداران در حملات ترور اسرائیل به لبنان و سوریه، جنگ اسرائیل با حزب‌الله لبنان که مهم‌ترین بازوی منطقه‌ای ایران است و در نهایت سقوط دولت بشار اسد در دمشق، خساراتی برای ایران در پی داشت. علاوه بر این، دو حمله اسرائیل به خاک ایران نیز خساراتی برای ایران به همراه داشت. مجموعه این عوامل موجب شد تا ایران در وضعیت مدیریت بحران قرار بگیرد. از سوی دیگر با نزدیک شدن به زمان انقضای برجام در پاییز سال آینده، یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین چالش‌های عرصه سیاست خارجی ایران، بار دیگر سر برآورده است. برجام به عنوان توافقی میان ایران و گروه ۵+۱ در وضعیت نامناسبی به سر می‌برد. بسیاری از تحلیلگران برجام را در وضعیت گُما توصیف کرده‌اند. کشورهای اروپایی در طول سه سال گذشته فشار زیادی در عرصه هسته‌ای به ایران وارد کرده‌اند. تهدیدهای مکرر کشورهای اروپایی مبنی بر احتمال فعال شدن مکانیزم ماشه، در صورت شکست در توافق با ایران، نمونه بارز این فشارها است. کشورهای اروپایی اعلام کرده‌اند که برجام در پایان سال آینده منقضی خواهد شد؛ بنابراین در صورتی که ایران توافقی را بر سر برنامه هسته‌ای اش صورت ندهد، اجازه نخواهند داد تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران برداشته شود و بافعال کردن مکانیزم ماشه براساس بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام، تا قبل از انقضای برجام، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد ذیل فصل هفت را بار دیگر بازخواهند گرداند. پرونده‌های مهم سیاست خارجی ایران در سال ۱۴۰۴ عبارتند از:

### مذاکرات احیای برجام

پس از خروج یک‌جانبه دونالد ترامپ از برجام در دولت اول خود، در دو نوبت، تلاش‌هایی برای احیای برجام انجام شد. نخستین تلاش، در اواخر دولت دوم حسن روحانی انجام شد. به گفته حسن روحانی، در ماه‌های پایانی دولتش، احیای برجام تنها به یک امضانیاز داشت. حسن روحانی گفته بود: «اگر اجازه صادر شود، آقاسی عراقچی همین فردا می‌تواند مذاکرات را به نتیجه برساند.» اما ظاهراً تصمیم حاکمیت بر این بود که سرنوشت احیای برجام به دولت بعدی سپرده شود. سیدابراهیم رئیسی، که در سال ۱۴۰۰ در انتخابات به پیروزی رسید، در مخالفت با احیای برجام سخنی به میان نیاورد اما در عمل، ورود دولت او به مذاکرات با تأخیرهای بسیاری همراه شد. در نهایت در تابستان سال ۱۴۰۱، مذاکرات میان ایران و گروه ۵+۱ به آستانه نهایی شدن رسید اما باز هم موانعی در بین راه ایجاد شد. اروپایی‌ها ایران را مقصر دانسته و اعلام کردند که ایران آنطور که باید جدی عمل نکرده و از اتخاذ تصمیم نهایی ناتوان است. در داخل نیز برخی چهره‌های سیاسی نزدیک به دولت رئیسی، معتقدند بودند که با توجه به آغاز جنگ روسیه با اوکراین، ایران نباید در امضای توافق عجله کند چون به زودی «زمستان سخت» از راه خواهد رسید و با توجه به قطع جریان انرژی از روسیه به اروپا، اروپایی‌ها به منابع انرژی ایران نیاز خواهند داشت، بنابراین

حاضر خواهند بود امتیازات بیشتری ارائه کنند. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که اروپایی‌ها به هر ترتیبی که بود بحران انرژی را مدیریت کرده و زمستان را از سر گذراندند. اما این ایران بود که با اعتراضات عمومی به واسطه مرگ مهسا امینی مواجه شد. از اینجا به بعد بود که اروپایی‌ها فرصت را برای اعمال فشار بر ایران مناسب دیدند و ایران را در یک خفگی دیپلماتیک قرار دادند. این وضعیت در نیمه اول سال ۱۴۰۲ ادامه داشت. از نیمه دوم این سال و پس از حمله حماس به اسرائیل، تحولات عرصه سیاست خارجی ایران به طور کلی تحت تأثیر تحولات مربوط به جنگ غزه قرار گرفت و پنجره دیپلماتیک برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای ایران بسته شد. پس از دیپلماتیک ریاست جمهوری در ایران پیروز شد و مذاکره با غرب برای رفع تحریم‌ها را جزو برنامه‌های اصلی دولتش عنوان کرد. اما در عمل، فرصت‌ها به سرعت از دست رفت و در آمریکا نیز دونالد ترامپ با شعار معروف «فشار حداکثری» به قدرت بازگشت. امضای یادداشت فشار حداکثری از سوی دونالد ترامپ در ماه نخست ورودش به کاخ سفید، گره مذاکرات هسته‌ای را محکم‌تر کرد. این فشار از سوی ایران به عنوان تسلیم‌نامه تعبیر شد و مقامات عالی ایران اعلام کردند که در چنین شرایطی وارد مذاکره نخواهند شد.

زمان محدود است. تنها ۴ تا ۵ ماه فرصت باقی مانده است تا طرفین بر سر مسئله هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها به توافق دست یابند. به نظر می‌رسد در صورتی که که ترامپ از مواضع اولیه خود عقب‌نشینی نکند، احتمال از سر گرفته شدن مذاکرات بسیار کم باشد. اگر این روند طی شود، باید منتظر حرکت کشورهای اروپایی به سمت فعال کردن مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌های حداکثری بود. چنانچه ایران در واکنش به این اقدام اروپا تصمیم به خروج از آن‌پی‌تی بگیرد، مناقشه هسته‌ای ایران ممکن است وارد فاز بر خورده‌های نظامی و امنیتی شود. به‌طور کلی اینطور به نظر می‌رسد که دستیابی به توافقی میان ایران و آمریکا حداقل تا زمستان آینده، بسیار دشوار باشد. اختلافات داخلی سیاسی در هر دو کشور، مانع از عزم قاطع هر دو طرف برای طرح‌ریزی چارچوبی معنادار از توافق خواهد بود. مگر اینکه دولت آمریکا از موضع اولیه خود کوتاه آمده و حاضر شود تنها در خصوص مسئله هسته‌ای با ایران مذاکره کند و باقی مسائل، نظیر فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و بر خورده‌های ایران از تسلیحات موشکی و پهپادی را از روی میز مذاکره بردارد.

### سرویز نامنی‌ها از سوریه

به جرأت می‌توان گفت که سقوط دولت بشار اسد در سوریه، یکی از سخت‌ترین خسارت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی برای ایران در دو دهه گذشته بوده است. سقوط اسد، توازن قوا در منطقه را به ضرر ایران تغییر داد؛ سندی که ایران در دوده گذشته در مقابل گسترش نفوذ منطقه‌ای ترکیه در سوریه و عراق کشیده بود دچار آسیب شد، پیوند ارگانیک میان ایران و حزب‌الله لبنان را قطع کرد، عمق استراتژیک ایران را کاهش داد و اسرائیل را برای انجام اقدامات امنیتی و نظامی علیه ایران جسورتر کرد و در نهایت موجب ایجاد ترس در دولت شیعه عراق شد و این ترس ممکن است دولت عراق را به سمت تغییر سیاست‌هایش در خلاف جهت منافع ایران هدایت کند. ظهور دولت جدید در سوریه به رهبری جولانی و گروه تحریرالاشام، موجب شده تا ترکیه بعد از ۱۴ سال کنترل سوریه را در دست بگیرد، رفتارها و رویکردهای سیاسی دولت جولانی به وضوح نشان می‌دهد که همه چیز از انکارادیکته می‌شود. فشار اعمال شده از سوی دولت ترکیه بر س.ک و وادار کردن عبدالله اوجلان به صدور پیام انحلال و خلع سلاح این گروه مسلح، موجب شد تا ترکیه بتواند به کردهای سوریه نیز فشار وارد کند تا وارد توافق صلح و ادغام با دولت جولانی شوند. تا اینجا کار ترکیه توانسته دو مرحله مهم و اولیه از رفع تهدید امنیتی را از سوی کردها مرتفع کرده و در مسیر پایان دادن به مهم‌ترین نگرانی امنیتی خود در دهه‌های گذشته قرار بگیرد. همه این رخدادها در حالی صورت می‌گیرد که ایران هنوز اجازه نیافته سفارتش را در سوریه بازگشایی کند. در صورتی که ترکیه

# سال چالش

## نیم‌نگاهی به چشم‌انداز چالش‌های ایران در سال ۱۴۰۴ در عرصه سیاست خارجی

بتواند در مسیری که در پیش گرفته است به موفقیت‌های سریالی دست یابد-بدیهی است که موضوع فعالیت‌های ضدایرانی ترکیه در قفقاز در همکاری نزدیک با دولت الهام علی‌اف در باکو بستگی دارد -می‌تواند ایران را در مرزهای شمال غربی نیز با مشکلاتی مواجه کند و ایران ممکن است با اقدام دولت باکو برای احداث کریدور زنگزور در استان سیونیک ارمنستان و قطع مرز زمینی ارمنستان با ایران مواجه شود. سقوط دولت بشار اسد بر رویکردهای حکمرانی دولت عراق نیز تأثیر گذاشته است. این تغییر رویکرد با روی کار آمدن دونالد ترامپ در آمریکا تقویت نیز شده است. در حال حاضر نشانه‌هایی را از تغییر حکمرانی دولت مرکزی عراق در رابطه با ایران شاهد هستیم. حرکت دولت عراق به سمت استقلال از منابع گاز و برق ایران و حرکت به سمت تأمین نیازهایش از عمان و قطر، تحت فشارهای دولت آمریکا گواهی بر این مدعا است.

### نظم منطقه‌ای جدید ذیل توافقات آبراهام

جنگ در غزه و لبنان در وضعیت آتش‌بس به سر می‌برد. حالا بسیاری از بازنگران منطقه‌ای و فرمانتقله‌ای درباره دوران پس از جنگ موضع‌گیری می‌کنند. پایان این دو جنگ، با ورود ترامپ به کاخ سفید همراه شده است. هر چند که ترامپ قبل از ورود به کاخ سفید نیز در خصوص پایان دادن به این دو جنگ، نقش‌آفرینی کرده بود، اما به نظر می‌رسد که دولت ترامپ به دنبال ایجاد نظامی جدید در خاورمیانه بر مبنای توافقات آبراهام است. تاکنون برخی کشورهای عربی نظیر امارات و بحرین، به توافقات آبراهام پیوسته‌اند و روابط خود را با اسرائیل عادی کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد که شاه‌مهره این توافقات، عربستان سعودی است. تا زمانی که عربستان سعودی به طور رسمی روابط خود را با اسرائیل عادی نکند، هدف نهایی از توافقات آبراهام محقق نخواهد شد. ترامپ برای رسیدن به این هدف، راهبردی جدی و چوچوبی را به کار گرفته است. از یک سو با اعلام قصدش برای آواره کردن مردم غزه به بهانه بازسازی این باریکه توپ غزه و فلسطین را به زمین کشورهای عربی انداخته است. قصد ترامپ از این اقدام، وادار کردن کشورهای عربی به نقش‌آفرینی در داینامیک پس از جنگ در غزه است. این اقدام تا حدودی نتیجه داده است و کشورهای عربی طرحی اولیه را برای بازسازی غزه ارائه کرده‌اند. این طرح البته در گام نخست با مخالفت دولت آمریکا مواجه شده است چراکه دولت آمریکا خواسته‌های بیشتری دارد. مهم‌ترین خواسته آمریکا عادی‌سازی روابط عربستان با اسرائیل است. یکی از دلایل برگزاری نشست صلح اوکراین بین روسیه و آمریکا در عربستان سعودی، تشویق عربستان به حرکت به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل بوده است. ترامپ با این اقدام عربستان را وارد داینامیک مذاکرات برای تعیین نظم‌های منطقه‌ای و جهانی کرده است. در چنین شرایطی ایران را وضعیت و روندی عادی‌سازی است. در مقابل چشمش در حال شکل‌گیری است. واضح است که موضع ایران در این خصوص منفی است و ادامه و تکامل این روند را در ضرر منافع منطقه‌ای خود می‌بیند. اما سوال این است که ایران برای تکام گذاشتن این روند و ایجاد اخلاص در آن چه گزینه‌هایی در اختیار دارد؟ استراتژی ایران مبنی بر داشتن روابط خوب با همسایگان مانع از این می‌شود که ایران به صورت علنی علیه این روند اقدامی صورت دهد. از سوی دیگر وضعیت نامناسب اقتصادی، سیاسی و امنیتی که ایران در آن قرار گرفته است موجب می‌شود که قدرت ریسک‌پذیری‌اش نیز کاهش یابد. بنابراین به نظر می‌رسد که تنها راهی که پیش پای ایران قرار دارد این است که در گام نخست در سیاست‌های منطقه‌ای خود یک بازبینی کلی صورت داده، نقص‌ها و کاستی‌ها را براساس واقعیت‌های موجود رفع کند.

کوتاه‌سخن اینکه جهان در حال تحول است. فهم واقع‌گرایانه از این تحول است که موجب می‌شود سیاست‌گذار بتواند برنامه‌هایی دقیق برای تحقق اهداف واقع‌گرایانه در آینده تهیه کند. اما فهم آرزومندانه و تخیلی از شرایط فعلی منطقه و دنیا ممکن است به اتخاذ سیاست‌هایی منجر شود که نه‌تنها اثبات‌را به دنبال نداشته باشد، بلکه ایران را در ماریجی بی‌ثباتی و تنش، بیش از گذشته درگیر کند.